

هامشی و گزارشی

از

گردهمایی یادبود شهدای سالهای ۱۳۵۷-۵۸

در برابر عمارت پارلمان کانادا در اتاوا

۷ دسمبر ۲۰۱۳ - ۱۶ قوس ۱۳۹۲

هامش نویس و گزارشگر: داکتر حمید سیماب



افتتاح مراسم یادبود و شمع افروزی به یاد شهدای سالهای ۱۳۵۷-۵۸ بروز ۷ دسمبر ۲۰۱۳ در برابر عمارت پارلمان کانادا در اتاوا

پیشینه و تدارک:

روز شنبه ۷ دسمبر روزی بود که همه دویدن ها و تپیدن ها و مشوره های قریب دو ماهه عده ای که خود را «محفل دادخواهان شهدای سالهای ۱۳۵۷-۵۸» می نامیدند به فرجام خود رسید. در ماه سپتمبر امسال برای اولین بار لیست قریب ۵۰۰۰ ستم کشته حکومت حزب دموکراتیک خلق در طی ۲۰ ماه اول زمامداری سراسر خون و خیانت آن برای اولین بار به گونه رسمی از طرف پولیس هالند نشر و به جهانیان افشا گردید. پولیس هالند در جریان تحقیق از یکی از اراکین سابق دستگاه شکنجه و کشتار رژیم خلقی یعنی «د افغانستان د گنډو ساتونکی اداره» یا «اگسا» بنام امان الله عثمان یا عثمانی که متهم به جنایات علیه بشریت بود این لیست ها را بدست آورد و صحت و درستی آنها را تثبیت نمود. حکومت آقای کرزی از روز اول نشستن بر اریکه قدرت این لیست ها را در دست داشت ولی بخاطر پرده پوشی جانیان و آدمکشانی که روی آنها از ابتدا اتکا کرد بر خون آن شهیدان پا گذاشت تا خوبتر بتواند با کمک مرتکبین جنایت علیه بشریت کشور را به فلاکت و فساد که تاکنون در آن دست و پا می زند بکشاند.

اعضای محفل دادخواهان تا دوماه پیش بیشترین بکدرگر را نمی شناختند. پس از انتشار لیست های شهدا داغداران در جاهای مختلف جهان مراسم عزاداری و نماز جنازه غایبانه و فاتحه بجا آوردند که این کار در شهرهای مختلف کانادا و منجمله در اتاوا نیز صورت گرفت. عزاداری و فاتحه نظر به رسم دیرین اسلامی آغاز مرحله سنگ صبر بر سینه ریش زدن، فراموش کردن آنانیکه درگذشته اند و پرداختن به التیام زخم دل افکار می باشد. ولی آیا می توان آن عزیزان هردم شهید و درد و داغ سی و پنج ساله آنان و کسانی را که بعد از آنها با همان هردم شهیدی نیست و نابود شدند چنین به آسانی فراموش کرد؟ مگر فراموش کردن ظلم به معنی بخشیدن ظالم نیست و مگر بخشیدن ظالم روا ساختن و قابل بخشش ساختن ظلم نیست؟ اگر اعتقاد برآن داریم که خداوند در روز بازخواست ظالم را بخاطر ظلمش و مظلوم را بخاطر خاموش نشستن در برابر ظلم مورد مواخذه قرار می دهد، آیا فراموش کردن ظلم ظالم خود در چنین مواردی گناه نیست؟ اینکه تا به امروز حتی یک نفر هم بخاطر این همه جنایات به محاکمه کشانده نشده است، آیا فراموش کردن مظلومین در حقیقت توهین به آن شهدا، به خانواده هایشان، به انسانیت و به مفهوم عدالت نیست؟ اگر بخواهیم آنها را فراموش کنیم آیا به این معنی نیست که نه تنها خون آنها بلکه عذاب و درد و داغ و اشک و آه و ناله پدر سر سفیدشان، مادر پیچه سفیدشان، زن جوانی که بیوه ساخته شد و فرزندی که یتیم ساخته شدند و هیچگاه نتوانستند مهر پدری را ببینند، خواهری که برادر جوان خود را از دست داد، همه اینها ارزش اینرا نداشتند که بازخواست شوند و از قاتل شان پرسیان شود؟ با چنین اندیشه ها بود که شماری از فرزندان شهدا که برای اولین بار با تأیید حقیقت مرگ عزیز خود تلخ گریستند، و عده ای که در هر حالتی با درد و داغ مردم خود شریکند و در عزای آنها سوگواری، تصمیم گرفتند با تشکیل محفل دادخواهان شهدا یادبود شهدای بخوان خفته را بگونه بایسته برگزار کنند و سوگ را با بلند کردن آواز به دادخواهی مبدل سازند.

از طرف دیگر آنچه برای اعضای محفل دادخواهان شهدا مطرح بود این بود که آنها در پایتخت کانادا زندگی می کنند و بلند کردن آواز ازینجا اثر بس بیشتر می تواند داشت تا به بلند کردن آواز در جاهای دیگر کانادا، خصوصاً اگر اعضای محفل بتوانند این آواز را در برابر پارلمان کانادا بلند کنند و توجه دولت کانادا را جلب کنند تا در دادخواهی آنان را کمک کند، چون دولت افغانستان در طی دوازده سال گذشته ثابت ساخت که از مردم نیست و درد مردم را ندارد؛ اگر می داشت در طی این همه سالها خائنین و جنایت کاران را در خود جا نمی داد و حد اقل در قسمت برقراری عدالت انتقالی که یکی از مواد اصلی توافقات بُن بود این گونه بی پروایی و چشم پوشی نمی کرد. درحقیقت از دولت کنونی افغانستان داد مظلوم را خواستن از گرگ نزد کرگس تظلم بردن است. زنده دلان عضو محفل دادخواهان احساس می کردند که همین زندگی در اتاوا پایتخت کانادا مسئولیت اخلاقی و وجدانی ایرا به دوش آنان گذاشته است تا بخاطر موقعیت جغرافیایی شان کاری کنند که شاید سایر دردمندان افغان در کانادا نتوانند کرد.



چنین بود که در ماه اکتوبر «محفل دادخواهان شهدای سالهای ۵۷-۵۸» تشکیل شد و برای اینکه تازه آشنایان گردهم آمده در محفل از پیشینه ها و متون اجتماعی متفاوت به دور هدف واحدی گردهم آمده بودند لازم بود اصول مشترک تعریف گردد و خطوط کار تعیین شود تا معیاری برای کسانی باشد که بخواهند با محفل بپیوندند و نیز از درز افتیدن های احتمالی آینده در کارباهمی و تشتت و پراگندگی های مراحل بعدی کار جلوگیری شود. با این عزم، در اولین نشست محفل دادخواهان سه اصل اساسی مورد توافق قرار گرفت:

(۱) اعضای محفل دادخواهان حکومت حزب دموکراتیک خلق را مسئول مستقیم جنایاتی دانستند که شهدای لیست انتشار یافته نمونه آن بود. آنها توافق کردند که رهبران و برانندگان این حزب، از هر دو شاخه خلق و پرچم، باید به خاطر ارتکاب جنایات جنگی و جرایم ضد بشری به محاکمه کشانده شوند. آنها روی این نکته نیز توافق کردند که افراد عادی حزب که در

خیانت و جنایت حزب شان دست مستقیم نداشتند بخاطر عضویت درین حزب و خاموشی در برابر جنایات آن مرتکب خطا گردیده و باید از مردم و تاریخ افغانستان پوزش بخواهند و جنایات حزب خود را محکوم کنند.

۲) اعضای محفل که نمایندگی از گروه های مختلف قومی ساکن در افغانستان می کردند توافق کردند که ملت افغانستان اعم از پشتون، تاجیک، هزاره، ازبک و غیره بدون در نظر داشت تفاوت های نژادی، زبانی، مذهبی و منطوقی باهم برادر و برابر هستند و هیچیک را بر دیگری برتری و امتیاز نیست، و اینکه قربانیان جنایات رژیم های ضد مردمی در افغانستان به یک گروه یا هویت معین تعلق ندارند بلکه همه شهدای مردم افغانستان اند و اعضای محفل هر که هستند در سوگ همه آنان شریک و غمدار هستند.

۳) اعضای محفل توافق کردند که همایش یادبود در برابر پارلمان کانادا حرکت نمادین عدالت خواهی برای قربانیان جنایات ضد بشری، زنده بگور شده ها و قتل عام های فرزندان بی گناه افغانستان در سالهای حکمروایی حزب دموکراتیک خلق خواهد بود و تأکید کردند که آنها بر جنایات راه انداخته شده توسط هویت های مختلف سیاسی در سالهای بعد تا به امروز اغماض و چشم پوشی ندارند ولی بخاطر هدف مشخص یادبودی که درین مقطع در برابر خود قرار داده اند به خیانت ها و جنایات اخلاف خلقی ها و پرچمی ها نمی پردازند. آنها همچنین توافق کردند که بخاطر هدف مشخص این حرکت انسانی و اخلاقی هرگونه بهره برداری ازین حرکت را در جهت اهداف خاص حزب، گروه یا کتله خاصی مردود می دانند و اجازه نخواهند داد.

باچنین تمهیدی اعضای محفل دادخواهان آغاز بکار کردند و منظمأ نشست های گزارش دهی و گزارش گیری از پیشرفت کار و کنکاش و مشوره در مورد سازماندهی هر چه بهتر یادبود و پی آمد ها و پیگیری های آن تشکیل می دادند. این جلسات پیهم بخاطر برخورد صمیمانه و صادقانه اعضای محفل و اصول روشنی که در تمهید کار خود قرار داده بودند روزبروز مؤفق تر و پر جمعیت تر می شد و سهم گیرندگان بیشتری را که با شور و اشتیاق می خواستند سهمی در کار آن بگیرند به خود جلب می کرد. برای اولین بار جوانان دانشجوی دانشگاه های کارلتون و اتاوا در نشست ها اشتراک کردند و شور و شوق جوانی و تعهدپذیری روحپرور نسل نو افغانان خارج کشور را با خود آوردند و چشم سالمندترها را روشن و قلب شانرا مملو از امید و افتخار ساختند.



برای هر اقدامی ازین گونه پول بکار است. اعضای محفل با اعتقاد به اینکه پول در همه مناسبات اجتماعی حیثیت تیزاب و اسید را دارد که اگر با آن با منتهای احتیاط و امانت داری برخورد نشود اعتبارها و مناسبات و روابط میان افراد را خیلی به آسانی می شاراند و فاسد می سازد، تصمیم گرفتند بغرض جلوگیری از سو تفاهات احتمالی و با در نظر داشت بحران اعتماد کلی ایکه بخصوص در ارتباط با پول در جامعه افغانی شایع است، دست در یوزگی بسوی هیچ مرجع بیرونی دراز نکنند بلکه بگونه «خدا وسع» هریک از اعضای محفل هر اندازه که می تواند در کیسه خرچ عمومی محفل سهم بگیرد و دخل و خرچ به شکل کاملاً شفاف به همه اعضای محفل وقتاً فوقتاً گزارش داده شود. همچنین بخاطر در تنگنا قرار ندادن کسانی که توان سهمگیری پولی کمتر داشتند تصمیم گرفته شد تا اشخاص در گزارشات سهمگیری و اعانه پول با نام نه بلکه با شماره رمزی که خود تعیین می کردند ذکر کردند تا از یکطرف سهم هریک آشکارا نشان داده شود و از طرف دیگر کسی بخاطر سهم نگرفتن یا کم سهم گرفتن خود را ناراحت احساس نکند. عضو «خزانه دار» و مسئول گزارش دهی مالی تعیین گردید و با چنین تدبیری تیزاب پول هیچگونه آسیبی به مناسبات و اعتماد ها نتوانست برساند بلکه اساسی برای اعتمادها و شفافیت های آینده گذاشته شد.

پرسش ها و پاسخ ها:

در بهیوه تلاش و آمادگی برای راه اندازی یادبود شهدا در برابر پارلمان کانادا و تلاش های تبلیغاتی که غرض آگاهی هموطنان درین ارتباط با ارسال فراخوان و پخش اطلاعیه ها از طریق برنامه های تلویزیونی راه انداخته شد پرسش هایی با انگیزه های مختلف از هرسو شنیده می شد. این



پرسش ها عمدتاً به دو سوال اساسی خلاصه می شدند که بعضاً از سوی هموطنانی که نیت سو نداشتند از روی آگاهی طلبی پرسیده می شد، و موارد زیادی هم بود که اعضای پیشین حزب دموکراتیک خلق، اعم از خلقی و پرچمی، بخاطر تولید شک و بی اعتمادی این سوال ها را شایع می ساختند و دامن می زدند. یکی از این دو سوال اساسی این بود که چرا این مسئله پس از ۳۵ سال اکنون بدین داغی درین مقطع مطرح شده است، یعنی حتماً باید هدف یا غرض بهره برداری توسط گروه یا گروه های معین سیاسی عقب این اقدام قرار داشته باشد، و

سوال دوم این بود که چرا فقط جنایات حکومت حزب دموکراتیک خلق یا بگونه معروف تر جنایات خلقی ها و پرچمی ها دادخواهی می شود و چرا کشتارها و جنایات بمراتب فجیع تر حکومت و تنظیم های مجاهدین و طالبان دادخواهی و یاد و پرسان نمی شود؟

اعضای محفل در پاسخ پرسش اولی اظهار می کردند که دلیل اینکه این موضوع حالا بعد از ۳۵ سال به این ترتیب مطرح گردیده است اینست که جنایات و کشتارهای راه انداخته شده توسط حزب دموکراتیک خلق خصوصاً در طی بیست ماه اول حکومت آن در زمان خلقی ها بر هیچ افغانی پوشیده نیست ولی برای راه انداختن جدی اقدام دادخواهی دلیل قضایی شده نمی تواند. آنها می گفتند که درین ارتباط اسنادی که اینجا و آنجا توسط سازمان هایی مانند سازمان عفو بین المللی و دیده بان حقوق بشر و غیره در طی سالهای گذشته انتشار یافته اند اسناد بیشتر گزارشی بودند که نمی توانست به محکمه منحیث سند جرمی پیش شود، ولی اینک با انتشار لیست ها از طرف پولیس هالند برای اولین بار یک سند رسمی بدست است که می تواند مستمسک و از نظر سندیت حقوقی اساس دادخواهی قرار گیرد. ازینجاست که این موضوع اکنون بعد از اینهمه سالها برای دادخواهان اینگونه داغ مطرح است.

در مورد پرسش دوم یعنی اینکه چرا در یادبودی که راه اندازی آن روی دست است قرار نیست از جنایات گروه های دیگر، از شناعی که مجاهدین راه انداختند، از ظلم و جنایت و خیانتی که طالبان راه انداختند و از بیداد و نامردمی که در طی ۱۲ سال گذشته در حکومت کرزی صورت گرفته است یاد شود و فقط به خلقی ها و پرچمی ها و خصوصاً به خلقی ها پرداخته می شود، پاسخی که ارائه شد این بود که تا زمانیکه حکومت مردمی در افغانستان بوجود نیامده ناممکن است علیه همه خائنین و جانپان و وطنفروشان اقامه دعوی و دادخواهی کرد، بنابراین تمرکز دادخواهی علیه حزب دموکراتیک خلق و بخصوص شاخه خلق آن درین مقطع بخاطر لیست که سند مؤثقی علیه آنها بدست آمده است. اعضای محفل توضیح می کردند که هر قاتل و جنایت کاری، چه فرد باشد و چه جمع، جواب خود را می دهد و هرکه هر چه کرده باید ذره ذره و متقال متقال حساب بدهد و همانطوری که امروز باسند مؤثق جنایات خلقی ها دادخواهی می گردند فردا با سند مؤثق جنایت مجاهدین و طالبان و منسوبین حکومت به اصطلاح دموکرات نیز دادخواهی و بازخواست خواهد شد، ولی چنانکه در اصل سوم اساسی مورد توافق محفل دادخواهان شهدا قید گردیده، بخاطر هدف مشخص یادبودی که اعضای محفل درین مقطع در برابر خود قرار داده اند به خیانت ها و جنایات اخلاف خلقی ها و پرچمی ها نمی پردازند.

PAS DE GUÉRISON SANS JUSTICE



NO CLOSURE WITHOUT JUSTICE

له عدالت پرته سوله ناممکنه ده

التیام بدون عدالت ناممکن است

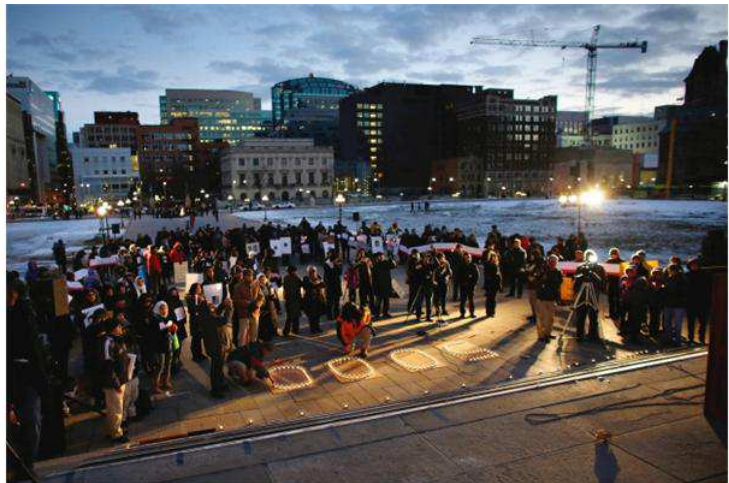
شعار عمده گردهمایی یادبود شهدای سالهای ۱۳۵۷-۵۸ در اتاوا

شمع افروزی و گرامی داشت یاد شهدای بی کفن:

مراسم یادبود به ساعت ۴ بعد از ظهر، در حالیکه هوا نهایت سرد بود و روز بسوی تاریک شدن می رفت زیر شعار «التیام بدون عدالت ناممکن است» آغاز شد. در پله های زینه فراخ روبروی پارلمان کانادا عکس حدود ۲۵۰ تن از شهدای سالهای ۱۳۵۷-۵۸ و شماری از قربانیان بیداد سالهای بعدتر حکمروایی حزب دموکراتیک خلق چیده شده بودند. در برابر تصاویر شمع های افروخته نشده گذاشته شده بود و نیز نقش عدد 5000 با ابعاد بزرگ با شمع کشیده شده بود که منتظر افروختن بود. در بالای پله های زینه جایگاه خطابه که با نشان دادخواهان آراسته شده بود در میان بیرق های افغانستان و کانادا قرار داشت. در دوطرف جای اجتماع حضار لیست های منتشره شهدا با اوامر انتقال (احکام مرگ) روی قطعه های سرخ رنگ نصب شده و در معرض نمایش قرار داشتند. حاضرین که عده ای عکس های شهدای خود را در دست داشتند و عده دیگری شعار هایی را حمل می کردند منتظر گشایش مراسم یادبود بودند. عده زیادی از هموطنان عزادار و با دردمان از شهر های تورنتو، مونتریا، همیلتون، گویف و سایر شهرهای دور و نزدیک حضور بهم رسانیده بودند. تعداد کسانی که جهت اشتراک در گردهمایی یادبود شهدا آمده بودند از چند صد تن متجاوز بود ولی به علت سردی هوا و حضور عده ای از کودکان که با خانواده های خود آمده بودند نمی توانستند دیر بایستند و مجبور بودند جهت گرم ساختن خود به جاهای گرم اطراف پارلمان برگردند. ازینرو تا ختم گردهمایی یادبود آمد و رفت اشتراک کنندگان ادامه داشت. خبرنگاران و عکاسان رسانه های کانادا، منجمه سی بی سی و اتاوا سیتیزن مشغول تهیه عکس و گزارش بودند.

مراسم توسط جوان برومند افغان آقای علی میرزاد که با فصاحت بزبان های انگلیسی و فرانسوی صحبت می کرد افتتاح گردید. از آنجاییکه مراسم یادبود با حضور عده ای از دوستان و شخصیت های برجسته کانادایی برگزار می شد قرار بر آن شده بود که زبان صحبت ها انگلیسی یا فرانسوی باشد و هرگاه سخنرانی بزبان دری یا پشتو صحبت کند به زبان انگلیسی ترجمه گردد. آقای میرزاد در سخنان گشایشی خود گفت که تدویر گردهمایی یادبود بمفهوم انتقام خواهی نیست بلکه می

خواهیم این پیام را برسائیم که شهدای ما فراموش نیستند و هرگز فراموش نخواهند شد. آقای میرزاد علاوه کرد که صدایی که یادبود بلند می کند صدای مادریست که فرزند خود را از دست داده است، صدای زنی است که شوهر خود را از دست داده است، صدای داغدارانی است که می خواهند آنچه بر سرآنان آمد هرگز تکرار نگردد.



سپس از نگارنده منحیث عضو محفل دادخواهان خواسته شد تا پس منظر تاریخی فجایع راه انداخته شده توسط حزب دموکراتیک خلق را شرح دهم و در مورد خواست های گردهمایی از

پارلمان و دولت کانادا توضیحاتی ارائه کنم. پس از سخنرانی اینجانب عضو دیگر محفل دادخواهان جناب سید امین ناصر فرزند شهید سید عبدالحمید ناصر که پدر و برادرش شهید سید عبدالهادی ناصر را درخیمان حزب دموکراتیک خلق بکام نیستی رهسپار کرده بودند رشته سخن را بدست گرفته اظهار داشت که وی نه تنها بمثابه فرزند و برادر دو شهید و نه تنها منحیث یک افغان بلکه بمثابه یک انسان از مادری، از پدری، از خواهری، از طفلی نمایندگی می کند که به یک گروه یا قوم

یا ملیت معین تعلق ندارد بلکه از همه افغان ها، چه پشتون، هزاره، ازبک یا تاجک و غیره نمایندگی می کند که داغدارند و به نمایندگی از آنان می خواهد سکوت را بشکند و با بی عدالتی مبارزه کند. آقای ناصر اظهار داشت که اینکه وی پس از نشر لیست های قربانیان نام های شهدا را یک یک، خط به خط، سطر به سطر و صفحه به صفحه در جستجوی پدر و برادر گمشده اش پالید تا نام آنها را بیابد و از سرنوشت شان باخبر شود قصه تنها خودش نیست بلکه قصه هزارها خانواده داغدار است که چون وی گمشده خود را می پالیدند و هنوز می پالند. آقای ناصر در ارتباط بخشایش خلقی ها و پرچمی ها اظهار داشت که فقط زمانی می توان آنان را بخشید که قبول کنند که خیانت و جفا کردند و از مردم افغانستان عذر بخواهند. وی علاوه کرد که ما خانواده های شهدا می خواهیم که جنایات خلقی ها بمثابه جنایت علیه بشریت برسمیت شناخته شود و عدالت در حصره عاملین مستقیم جنایات تأمین گردد چون قابل قبول نیست که آنها مانند ما آزاد زندگی کنند و کیفر اعمال خود را نبینند.



آقای ناتور رحمانی و همراهان هنگام اجرای سرود

سپس گردانندگان برنامه دوشیزه زهرا نیران و آقای رشاد نظری که هر دو دانشجویان دانشگاه های اتاوا بودند و یکی بزبان پشتو و دیگری بزبان انگلیسی گردانندگی می کرد از رضاکاران مؤظف خواستند تا شمع ها را به یاد و و بزرگداشت روان شهدا بیافروزند. حضار و خانواده های شهدا نیز شمع هایی را که در دست داشتند افروختند و سپس یک دقیقه سکوت به عنوان ادای احترام به یاد و روان شهدا اعلام شد که همه حضار در آن اشتراک کرده به روان شهدا درود فرستادند. پس از ختم یک دقیقه سکوت هنرمند مبارز و شناخته شده کشور، آقای ناتور رحمانی سرودی را که بخاطر ادای احترام به یاد شهدای گلگون کفن تهیه دیده بود با گروهی از جوانان دانشجو اجرا کرد که در بخشی از آن چنین سروده شده است:

درد ما، پیوندمان، پیوند خون
ننگ گویند بر غلامان زبون

سینه ها ماتم سرا است، تا کنون
تاجیک و ازبک، هزاره، پشتون

عده ای از حضار در قسمت بند ترجیع سرود (افغانستان باستان، افغانیان را آشیان) همصدایی می کردند که به زیبایی سرود می افزود.

سپس آقای پال چمپ یکی از حقوقدانان فعال در عرصه حقوق بشر پیرامون عدالت در عرصه بین المللی سخنرانی نموده اظهار داشت که کانادا بخاطر تعهداتی که هنگام پیوستن به میثاق های بین المللی حقوق بشر سپرده وظیفه دارد تا جرایم جنگی ایرا که در افغانستان اتفاق افتیده برسمیت بشناسد و مجرمین جنگی را که در کانادا آرام گرفته اند شناسایی نموده و مواخذه کند. وی افزود که کانادا بخاطر نقشی که در نیروهای امداد صلح در افغانستان داشت در قبال افغانستان نه تنها تعهد بلکه پیوند اخلاقی دارد تا جنایات صورت گرفته در آن کشور را بمثابه جنایات علیه بشریت برسمیت بشناسد. آقای پال چمپ اظهار داشت که از حکومت کانادا می خواهد در قسمت تأسیس یک مرکز بین المللی تحقیق و مستندسازی جنایات علیه بشریت در افغانستان پیشقدم شود.

پس از سخنرانی آقای پال چمپ، آقای پال دیوور عضو پارلمان و منتقد امور خارجی حزب عمده مخالف دولت (حزب نیو دموکرات) که حیثیت وزیرخارجه منتظر را دارد با وجود آنکه قبلاً از تصمیم خود مبنی بر سخنرانی به سازماندهندگان یادبود اطلاع نداده بود اجازه سخنرانی خواست. وی اظهار داشت که فقط یک ماه قبل از حوادثی که اکنون افغان - کانادایی ها بخاطر یادبود آن گردهم آمده اند اطلاع حاصل کرد. وی وعده سپرد که با سایر اعضای پارلمان در مورد مظالمی که در ۳۵ سال گذشته در افغانستان صورت گرفته صحبت خواهد کرد. وی گفت که وقتی جنایتی علیه بشریت صورت می گیرد باید برای برقراری عدالت کار کرد چون بدون عدالت صلح میسر نمی شود، ولی اگر کسی برای برقراری عدالت کار نکند

عدالت تأمین شده نمی تواند تا صلح تأمین شود. آقای پال دیوور گفت که تعهد می کنم هر آنچه در توانم است برای اجرای عدالت به قربانیان فجایع افغانستان در پارلمان انجام دهم.



آقای پال دیوور عضو پارلمان کانادا حین سخنرانی در گردهمایی یادبود شهدای سالیهای ۵۸-۱۳۵۷

پس از پایان سخنان عضو پارلمان آقای پال دیوور، آقای وارن کریتس حقوقدان در امور مهاجرین و حقوق بشر که مدتی در افغانستان گذرانده و با مردم و تاریخ متأخر افغانستان آشنایی دارد صحبت نموده در ضمن سخنان خود اظهار داشت که قابل قبول نیست که حکومت های کشورهای امریکای شمالی ادعای جانبداری از حقوق بشر داشته باشند ولی عاملین فجایع و جنایات علیه حقوق بشر را در خود جای دهند. وی قانون تصویب شده از طرف پارلمان افغانستان را در مورد اعطای معافیت از پیگرد قانونی برای ناقضین حقوق بشر و عاملین جنایات علیه بشریت خلاف حقوق بین المللی خواند.

سپس داکتر انیسه علی که پدر و دو برادرش را جلادان خلقی از وی گرفته اند و از شهر گوئیلف جهت

اشتراک در یادبود شهدا آمده بود سخنرانی نموده از مظالمی که بر خانواده اش رفته است یاد کرد و خطاب به جانین حزب دموکراتیک خلق اظهار داشت «اگر فکر می کنید از پنجه عدالت فرار می توانید کور خوانده اید، چون سرانجام عدالت جای خود را خواهد یافت.»

پس از سخنرانی داکتر انیسه علی، خانم زهرا محمدی فرستاده و دستیار غیرافغان سناتور مبینه جعفر عضو مجلس سنای کانادا پیام سناتور جعفر را قرائت کرد. سناتور مبینه جعفر در پیام خود از کار و تلاش خود برای آوردن صلح و آرامش به افغانستان یاد آوری کرده اظهار داشت که با تأسف شاهد است که عاملین جنایات و فجایع در افغانستان هنوز با مصئونیت از کیفر بسر می برند. وی ابراز امید کرد که چنین افراد بزودی به سزای اعمال خود برسند.

آقای یاور حمید یکی از حقوق دانان فعال در عرصه حقوق بشر پس از نماینده سناتور مبینه جعفر پشت میز خطابه قرار گرفته در طی بیانات خود در مورد اهمیت مستند سازی قضایا صحبت نمود و اظهار داشت که در پهلوی خانواده های دادخواه قرار دارد. وی از مقامات کانادایی خواست تا مسئله لیست قربانیان را به عنوان جنایت علیه بشریت برسمیت بشناسد. وی گفت که نباید در پارلمان فقط در مورد این فجایع صحبت شود بلکه جهت مبارزه برای برقراری عدالت باید یک مرکز جمع آوری و نگهداشت اسناد مربوط به فجایع مذکور تأسیس گردد. وی از مسئولیت حکومت کانادا و مکلفیت اخلاقی آن درین قبال یاد آوری کرد.

سپس آقای عبدالرحمن محمدی (با خانم زهرا محمدی فرستاده سناتور مبینه جعفر مناسبتی ندارد) که بنابر معلولیت در چوکی ارابه دار قرار داشت و از تورنتو جهت اشتراک در مراسم یادبود آمده بود بیانیه خود را به زبان دری ایراد کرد که توسط دوشیزه مهریه آریا بزبان انگلیسی برگردانی می شد. پدر آقای محمدی وقتی وی ده سال بیش نداشت توسط جلادان خلقی به شهادت رسید و برادر هشت ساله اش چندسال بعد در برابر چشمان مادرش توسط سربازان روس کشته شد. آقای محمدی از درد و داغ پدر و برادر یاد کرده از سازماندهندگان یادبود شهدا اظهار سپاس و قدردانی نمود.

آخرین سخنران آقای عبدالناصر بود که از تورنتو غرض اشتراک در یادبود شهدا و بلند کردن آواز در برابر پارلمان کانادا آمده بود. آقای عبدالناصر که پسرکاکایش را آدمکشان حزب دموکراتیک خلق ربوده و به شهادت رسانیده بودند از فجایع محمدخان پیگیر یکی از اراکین دولت خلقی و والی بغلان در سالهای ۵۷-۵۸ یاد کرده اظهار داشت جنایت کاران به پای میز عدالت نمی آیند بلکه باید کشانده شوند.

قرار بود یادبود به ساعت شش خاتمه یابد ولی بیانیه ها وقت بیشتر از مدت پیش بینی شده را گرفتند، ازینرو با ختم سخنان آقای عبدالناصر تنها فرصت برای قرائت قطعنامه یادبود باقی بود و باتذکر و اظهار سپاس از رسیدن پیام برخی دوستان و نهادهای همدل و همسو در خارج از کانادا، منجمله از آقای راشد رستمی بنیانگذار انجمن خانواده های شهدا در آلمان، به دلیل کمبود وقت از قرائت پیام های رسیده صرف نظر شد.

دق الباب بر دروازه پارلمان کانادا:

در پایان یادبود قطعنامه گردهمایی بزبان های دری و انگلیسی توسط دوشیزه لیلیاری و دوشیزه ناهید حسینی قرائت گردید که در بخش خواست های آن از دولت کانادا چنین آمده است:

«ما افغان – کانادایی ها و دوستان گردهم آمده در این یادبود از حکومت و پارلمان کانادا می خواهیم که:

1. کشتار جمعی بی گناهان سالهای ۵۷ و ۵۸ را به عنوان جرایم علیه بشریت به رسمیت بشناسند؛
2. در ایجاد یک اداره بین المللی حقیقت یاب برای جمع آوری و حفظ اسناد جنایات انجام یافته توسط حکومت حزب دموکراتیک خلق در افغانستان و شناسایی عاملان این جنایات و ارجاع آنان به محکمه بین المللی جنایی پیش قدم گردند؛
3. در مورد اعطای پناهندگی و پذیرش درخواست مهاجرت اشخاص مظنون به مشارکت در جنایات و نقض حقوق بشر در افغانستان تعمق و بررسی بیشتر صورت گیرد؛
4. بر دولت افغانستان فشار وارد نماید تا مظنونان به این جنایات و ناقضین حقوق بشر را از دستگاه های دولتی اخراج نموده و تحت پیگرد عدلی و قضایی قرار دهد و در اجرای عدالت انتقالی در افغانستان بیش از این تأخیر ننماید؛
5. از سازمان های بین المللی و کشور های غربی بخواهد که لیست ها و اسناد مربوط به ناقضین حقوق بشر در افغانستان را که در اختیار دارند به نشر بسپارند؛ و
6. فاجعه کشتار سالهای ۵۷ و ۵۸ را به مجمع عمومی سازمان ملل متحد ارجاع نموده و از کشور های عضو بخواهد که این فجایع را به عنوان کشتار جمعی و جنایت علیه بشریت به رسمیت بشناسد.
7. ما از تلاشهای مستمر کانادا در جهت تأمین صلح و امنیت در جهان به ویژه در افغانستان تقدیر و پشتیبانی نموده امیدواریم که ادامه و افزایش این گونه تلاشها از تکرار حوادث مشابه آنچه در افغانستان رخ داد در آینده جلوگیری نماید.»

در نظر بود پس از قرائت قطعنامه مجموع حضار بصورت نمایشی بسوی دروازه پارلمان راه بیفتند و قطعنامه را به پارلمان کانادا تقدیم کنند اما مقامات ذیصلاح بنا بر ملحوظات امنیتی و با در نظر داشت قواعد و ضوابط مربوطه تقاضا کردند تا صرفاً هیأتی از نمایندگان جامعه افغان – کانادایی این کار را انجام دهد که به تاسی ازین تقاضا چند نفر محدود به



مادر افغان خاتم صدیقه شکوهند حین دق الباب بر دروازه پارلمان کانادا جهت سپردن قطعنامه گردهمایی یادبود شهدای سالهای ۵۷-۵۸. عضو پارلمان آقای رویال گالیپو به نمایندگی از دولت کانادا قطعنامه را تسلیم شد.

سرکردگی مادری از مادران افغان، خاتم صدیقه شکوهند که چند تن از اعضای خانواده اش طعمه جلاخان حزب دموکراتیک خلق شده بودند بسوی دروازه پارلمان راه افتیدند. خاتم صدیقه شکوهند بشکل سمبولیک به دروازه پارلمان دق الباب کرد و از آنطرف وکیل پارلمان و عضو برجسته حزب برسر اقتدار آقای رویال گالیپو که بصورت فوق العاده جهت پذیرفتن قطعنامه افغان – کانادایی ها به پارلمان آمده بود به نمایندگی از وزیر خارجه آقای جان بیرد که خود غرض اشتراک در مراسم تشییع جنازه نلسون ماندیلا به افریقای جنوبی رفته بود دروازه پارلمان را گشود و قطعنامه گردهمایی یادبود شهدای سالهای ۱۳۵۷-۵۸ افغانستان را رسماً تسلیم شد.

با قرائت قطعنامه گردهمایی یادبود و تسلیم دهی آن به پارلمان کانادا، یادبود شهدای سالهای ۱۳۵۷-۵۸ به پایان رسید. عده ای از داغداران اشتراک کننده که از شهرهای مونتریال و تورنتو تشریف آورده بودند خواستار اجازه سخنرانی شدند ولی چون قبلاً درین زمینه تفاهم صورت نگرفته بود و بنا بر محدودیت وقت از ایشان معذرت خواسته شد. همچنین شماری از

گروه‌بندی‌های شناخته‌شده سیاسی قبلاً خواستار شده بودند تا نماینده‌شان پیام‌های همدلی و همسویی‌شانرا از پشت میزخطابه یادبود قرائت نماید که بخاطر رعایت اصل سوم مورد توافق اعضای محفل دادخواهان شهدا احترامانه و با سپاس از همه‌شان معذرت خواسته شد.

گردهمایی یادبود شهدای سالهای ۱۳۵۷-۵۸ که به همت و همکاری اعضای محفل دادخواهان شهدا سازماندهی و راه اندازی شد نمونه درخشانی از همدلی، همسویی و همکاری صادقانه است که شاید کمتر در حلقات مماثل افغانی سابقه داشته باشد. اعضای محفل دادخواهان که تا دو ماه قبل کمتر با یکدیگر شناسایی داشتند ثابت ساختند که افغان‌ها صرف نظر از تعلقات و پیشینه‌های مذهبی، زبانی، قومی و سمتی، هرگاه با صفا و صداقت کارباهمی کنند به پیروزی و موفقیت دست یافتنی هستند. اعضای محفل و کارباهمی‌شان یک بار دیگر مؤید درخشان این حقیقت است که فرزندان کشور افغانستان را گذشته‌مشترک، حال مشترک و آینده‌مشترک با هم پیوند می‌دهد؛ سرنوشت ما یکی است، همانگونه که شهدای ما در یک گور خفته‌اند. دادخواهی اعضای محفل دادخواهان برای همه است و با این‌گونه برادری و باهمی که کار مشترک اعضای محفل دادخواهان نمونه کوچک آنست روح شهدای جنت‌آشیان ما از بهشت برین بر نسل ما و نسل‌های آینده سرزمین‌پدری ما لبخند خواهند زد.

